

— حمید عطائی نظری  
استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

# — مروری بر تازه‌ترین دیدگاه‌های فان‌اس و مادلونگ در باب تکوین تشیع و مسئله جانشینی پیامبر(ص)

۸-۳

مروری بر تازه‌ترین دیدگاه‌های فان اس و مادلونگ در باب تکوین تشیع و مسئله جانشینی پیامبر(ص)

حمید عطایی نظری

**چکیده:** ویلفرد مادلونگ اسلام‌شناس برجسته آلمانی، به مناسبت معرفی و نقد کتاب ارزشمند «یکی و دیگری» یعنی: خدا و همه اندیشه‌های انسان در باب او؛ ملاحظاتی در باب کتابهای «مِلّ و نَحْل نگاهی اسلامی» نوشته دیگر اسلام‌پژوه برجسته آلمانی، پروفیسور یوزف فان اس، به اختصار بسیار، دیدگاه‌های خویش را در باب مسأله جانشینی پیامبر اکرم (ص) و موضع شیعیان و اهل سنت در این باره بازگو کرده است و این بار با صراحتی بیشتر به تبیین و توضیح نظرگاه خویش و آنچه در کتاب جانشینی حضرت محمد (ص) بیان کرده بود، پرداخته است. به جهت اهمیت نگرش‌ها و نظرگاه‌هایی که وی در مقاله یادشده درباره تاریخ پیدائی تشیع و موضوع جانشینی پیامبر (ص) و نقد برخی از آراء فان اس در مسائل یادشده، مطرح کرده است، در این نوشتار به طور جداگانه بعضی آراء شایان توجه او در این موضوعات مرور می‌شود.

**کلید واژه‌ها:** جانشینی پیامبر، شیعه، اهل سنت، ویلفرد مادلونگ، یوزف فان اس.

A Review of Van Ess and Madelung's Newest Views on the Evolution of Shi'ism and the Issue of Prophet's Succession

By: Hamīd Atā'ie Nazari

**Abstract:** Wilfred Madelung, a prominent German scholar, on the occasion of introducing and criticizing the valuable book *One and the Other [i.e.: God and all the men's thoughts about him]: Considerations about Books of Mellal wa Nehal Negāshti-e Islami* written by another famous Islamišt scholar Professor Josef van Ess briefly expresses his views on the issue of the Prophet's succession along with the Shia and Sunnis position in this regard. This time, he has more explicitly explained about his point of view and what he stated in his book *the Succession to Muhammad*. Because of the importance of the attitudes and views he has in the mentioned article about the history of founding Shi'ism as well as the issue of the succession of the Prophet (pbuh), and due to his criticizing some of Van Ess' views on the above-mentioned issues, this paper is going to review some of his remarkable opinions on these issues one by one.

**Key words:** The succession to the Prophet, Shia, the Sunnis, Wilfred Madelung, Josef Van Ess.

نظرة على أحدث آراء فان أس ومادلونج حول نشأة التشيع ومسألة خلافة الرسول صلى الله عليه وآله

حمید عطایی نظری

أفصح المتخصّص الألماني البارز بالدراسات الإسلامية ویلفريد مادلونج - عند تعريفه ونقده لكتاب (الواحد والآخر] أي الله وكل الأفكار الإنسانية عنه [ملاحظات حول تأليف كتب الملل والنحل الإسلامية) الذي ألفه المتخصّص الألماني البارز الآخر البروفيسور جوزيف فان اس - باختصار شديد آراءه حول مسألة خلافة الرسول الأكرم صلى الله عليه وآله وموقف الشيعة وأهل السنة تجاهها.

وفي هذا المقال يتحدّث حول نفس الموضوع بصراحة أكثر مبيّناً وجهات نظره وما ذكره سابقاً في كتاب خلافة النبي محمد صلى الله عليه وآله.

ونظراً لأهمية آراء هذا المفكّر وأفكاره التي طرحها في مقالته المذكورة حول تاريخ ظهور التشيع ومسألة خلافة الرسول صلى الله عليه وآله ونقده لبعض آراء فان اس في المسائل المذكورة، يحاول الكاتب في المقال التالي استعراض بعض آرائه الملفتة للنظر في كل واحد من هذه الموضوعات.

المفردات الأساسية: خلافة الرسول، الشيعة، أهل السنة، ویلفريد مادلونج، جوزيف فان اس.

# مروری بر تازه‌ترین دیدگاه‌های فان‌اس و مادلونگ در باب تکوین تشیع و مسئله‌جانشینی پیامبر(ص)

— حمید عطائی نظری

ویلفرد فردیناند مادلونگ (Wilferd Ferdinand Madelung) (زاده در ۱۹۳۰ میلادی) دانشور نامور آلمانی و استاد بازنشسته دانشگاه آکسفورد بی‌گمان یکی از برجسته‌ترین شرق‌شناسان و اسلام‌پژوهان در دنیای معاصر است. کتاب‌ها و مقالات متعددی که وی در زمینه تاریخ و کلام اسلامی، خاصه در باب تاریخ و اندیشه امامیه و زیدیه و معتزله، به نگارش درآورده است اغلب در زمره پژوهش‌های مرجع و دست اول به شمار می‌آید و سهم مهمی در پیشرفت مطالعات اسلام‌شناسانه ایفا کرده است.<sup>۱</sup> نقش او در تربیت نسل تازه‌ای از اسلام‌شناسان نیز در جای خود حائز اهمیت و درخور توجه است.

از جمله آثار ماندگار مادلونگ کتابی است که درباره مسئله بسیار مهم جانشینی حضرت محمد(ص) نگاشته<sup>۲</sup> و زیر همین عنوان به فارسی ترجمه شده است.<sup>۳</sup> دیدگاه‌ها و تحلیل‌های تازه مادلونگ که در بیشتر موارد با نظرگاه‌های شیعی در خصوص موضوع خلافت و جانشینی پیامبر(ص) همسو و هماهنگ است و برای نخستین بار بر اساس توجه به منابع و مآخذ کهن شیعی و سنی از سوی یک مستشرق نامدار در این کتاب مطرح شده، مورد عنایت و اقبال بسیاری از محققان قرار گرفت. پس از گذشت قریب به بیست سال از طرح آن دیدگاه‌ها، به تازگی (در سال ۲۰۱۴ میلادی) نامبرده به مناسبت معرفی و نقد کتاب ارزشمند «یکی و دیگر» یعنی: خدا و همه اندیشه‌های انسان در باب او؛ ملاحظاتی در باب کتاب‌های ملل و نحل نگاشتی اسلامی<sup>۴</sup> نوشته دیگر اسلام‌پژوه برجسته آلمانی، پروفیسور یوزف فان‌اس، به اختصار بسیار، نظرات خویش را در باب مسئله جانشینی پیامبر اکرم(ص) و موضع شیعیان و اهل سنت در این باره بازگو کرده و این بار با صراحتی بیشتر به تبیین و توضیح نظرگاه خویش و آنچه در کتاب جانشینی حضرت محمد(ص) بیان کرده بود پرداخته است. ترجمه راقم این سطور از این یادداشت کتابگزارانه مادلونگ<sup>۵</sup> (review) در ادامه همین نوشتار خواهد آمد، اما به جهت اهمیت نگرش‌ها و نظرگاه‌هایی که وی در مقاله یادشده درباره تاریخ پیدایی تشیع و موضوع جانشینی پیامبر(ص) و نقد برخی از آراء فان‌اس در مسائل یادشده مطرح کرده است، سزاوار آن دیدم تا به طور جداگانه بعضی آراء شایان توجه او را در این موضوعات بازگو کنم. باشد که مورد عنایت بیشتری از سوی خوانندگان و محققان قرار گیرد. ناگفته نماند که پاره‌ای از نظرات مادلونگ در این مقاله از منظر عقاید راست‌کیشانه شیعی قابل مناقشه است و باید در نوشتاری

۱. چندی پیش مجموعه مقالات ایشان به دست شاگردش خانم زابینه اشمیتکه در دو مجلد تدوین گردید و با مشخصات زیر به چاپ رسید:

1. *Studies in Medieval Shi'ism*, Wilferd Madelung, edited by Sabine Schmidtke, Routledge, 2012, 326 pages.

2. *Studies in Medieval Muslim Thought and History*, Wilferd Madelung, edited by Sabine Schmidtke, 2013, 322 pages.

3. *The Succession to Muhammad: A Study of the Early Caliphate*, Cambridge University Press, 1997.

۳. ویلفرد مادلونگ، جانشینی حضرت محمد صلی الله علیه و آله (پژوهشی پیرامون خلافت نخستین)، ترجمه احمد نمایی، جواد قاسمی، محمّد جواد مهدوی، دکتر حیدر رضا ضابط، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ویراست دوم، مشهد، ۱۳۸۵ ش.

4. *Der Eine und das Andere: Beobachtungen an islamischen häreographischen Texten*, by Josef van Ess (Studien zur Geschichte und Kultur des islamischen Orients/Beihefte zur Zeitschrift Der Islam, n.s. vol. 23. Berlin: WALTER DE GRUYTER, 2011. 2 vols. Pp. xlv + 1510. \$280.

5. *Journal of the American Oriental Society*, Vol. 134, No. 3 (July-September 2014), pp. 531-533.

دیگر جداگانه به نقد آنها پرداخت، لیک آنچه در اینجا مهم است، تأکید بر آن دسته از آراء اوست که در دفاع از مواضع شیعیان در باب حق محفوظ جانشینی پیامبر اکرم(ص) از برای خاندان ایشان و همچنین نقد عملکرد خلفای نخستین، خاصه خلیفهٔ دوم، در حوادث صدر اسلام ابراز داشته است.

نخستین انتقادی که مادلونگ بر نظرات فان‌اس در خصوص تشیع و تاریخ پیدائی آن ابراز کرده مربوط به تعریفی است که فان‌اس از اصطلاح «شیعه» ارائه نموده. او شیعه را عبارت از کسی می‌داند که «[ارادت و] همدلی قوی با علی یا فرزندانش دارد». به عقیدهٔ مادلونگ این تعریف از «شیعه» تعریفی بسیار فراخ است که شامل اکثریت مسلمانان و حتی عمر. که حضرت علی(ع) را به عضویت شورای تعیین جانشین خود درآورد. نیز می‌شود. به نظر مادلونگ اصطلاح «شیعه» تعریف بسیار محدودتری دارد و فقط بر کسانی اطلاق می‌شود که پس از پیامبر اکرم(ص)، حضرت علی(ع) را به عنوان امام اول قبول کرده‌اند.

انتقاد دیگر مادلونگ بر آراء فان‌اس راجع به مسئلهٔ بسیار مهم تاریخ پیدائی تشیع به عنوان یک فرقهٔ متمایز از اهل سنت است. می‌دانیم که دربارهٔ آغاز تکوین تشیع و آغاز پیدائی فرقهٔ شیعه نظرات مختلفی ابراز شده است. در اینجا اختلاف قابل توجهی میان فان‌اس و مادلونگ وجود دارد. فان‌اس تاریخ شکل‌گیری تشیع را به زمان وقوع فتنه در جامعهٔ مسلمانان در پایان دورهٔ خلافت عثمان بازمی‌گرداند، یعنی درست زمانی که عثمان در ماجرای شورش علیه او کشته شد و مسلمانان با حضرت علی(ع) بیعت کردند. به همین جهت وی به انتقاد از نظر مورخانی برخاسته است که تاریخ پیدائی تشیع و تمایز آن از اهل سنت را در هنگام وفات پیامبر اکرم(ص) و اجتماع گروهی از مسلمانان در سقیفهٔ بنی ساعده و انتخاب ابوبکر به عنوان جانشین پیامبر(ص) دانسته‌اند. در حقیقت فان‌اس معتقد است که جدائی راه شیعه از اهل سنت از سقیفهٔ بنی ساعده نبود، چراکه حضرت علی(ع) خلافت ابوبکر و عمر را پذیرفته بود، بلکه این جدائی از زمان شورش برضد عثمان حادث شد، شورش که بنا بر ادعای ناصواب فان‌اس، حضرت علی(ع) در پس آن نقش داشته است. به پندار فان‌اس، حضرت، خود، زمینه‌ساز قتل خلیفه و بروز تفرقه‌ای بود که موجب جداشدن گروه پیرو او (یعنی شیعه) از اجتماع بزرگ تر مسلمانان (یعنی جماعه) شد. از نظر فان‌اس تنها پس از رحلت امام علی(ع) بود که پیروان تندروتر او به انکار خلافت ابوبکر و عمر و بدگویی از آنها و همهٔ صحابهٔ پیامبر که از آنها حمایت می‌کردند پرداختند.

پروفسور مادلونگ با نظرات پیش‌گفته از فان‌اس موافق نیست و به نقد آنها دست یازیده است. به عقیدهٔ وی تحلیل‌های یادشده از فان‌اس سازگار با دیدگاه‌های تاریخ‌پژوهان اوایل قرن بیستم همچون هنری لامنس و لئون کانتانی است و دیگر امروزه پس از گذشت بیش از یک قرن از آن پندارها و گسترش و تعمیق تحقیقات تاریخی، قابل دفاع و پذیرش نیست. به نظر مادلونگ اگرچه ظهور دو اصطلاح «شیعه علی» و «شیعه عثمان» به زمان وقوع فتنه و قتل عثمان بازمی‌گردد، بر اساس منابع و مدارک خود اهل سنت، حضرت علی(ع) هیچ نقشی در بروز شورش علیه عثمان و زمینه‌سازی قتل وی نداشته است. اهل سنت حضرت علی(ع) را به عنوان خلیفه چهارم قبول دارند و بنابراین او را در مبارزه با معاویه که به طریقی موزیانانه سعی داشت تقصیر قتل خلیفه را به گردن علی(ع) بیندازد تا از این راه بتواند خلافت را به چنگ خود درآورد برحق می‌دانند. به گفتهٔ مادلونگ بر اساس منابع تاریخی اهل سنت، صحابه‌ای چون عمرو بن عاص، عایشه و طلحه سرکردگان شورش برضد عثمان و زمینه‌سازان سرنگونی او بودند. برخلاف فان‌اس، مادلونگ بر آن است که نه تنها حضرت علی(ع) نقشی در بروز شورش علیه عثمان و قتل او نداشت، بلکه حضرت با نصیحت و راهنمایی سعی در میانجی‌گری و برقراری آرامش در میان مسلمانان و جلوگیری از خلیفه کشی می‌نمودند و در همین راستا هم حسنین(علیهما السلام) را برای دفاع از خلیفه روانه کردند که

**فان‌اس معتقد است که جدائی راه شیعه از اهل سنت از سقیفهٔ بنی ساعده نبود، چراکه حضرت علی(ع) خلافت ابوبکر و عمر را پذیرفته بود، بلکه این جدائی از زمان شورش برضد عثمان حادث شد، شورش که بنا بر ادعای ناصواب فان‌اس، حضرت علی(ع) در پس آن نقش داشته است. به پندار فان‌اس، حضرت، خود، زمینه‌ساز قتل خلیفه و بروز تفرقه‌ای بود که موجب جداشدن گروه پیرو او (یعنی شیعه) از اجتماع بزرگ تر مسلمانان (یعنی جماعه) شد. از نظر فان‌اس تنها پس از رحلت امام علی(ع) بود که پیروان تندروتر او به انکار خلافت ابوبکر و عمر و بدگویی از آنها و همهٔ صحابهٔ پیامبر که از آنها حمایت می‌کردند پرداختند.**

در پی آن، امام حسن مجتبی(ع) در هنگامه آن کشاکش‌ها مجروح شد.

**مادلونگ با اشاره به این نکته که عُمر، خود، بعدها انتخاب ابوبکر در سقیفه را یک «فلته»، یعنی کاری شتاب‌زده و نسنجیده و تصمیمی عجولانه خواند، آن حادثه را کودتایی نظامی تلقی می‌کند که در آن حق حاکمیت از خاندان پیامبر(ص) گرفته شد و حیات جانشین بر حق و مشروع وی نیز در معرض تهدید قرار گرفت. یکی از پیامدهای این واقعه از بین رفتن زندگی بدون تبعیض و برابر مسلمانان و برتری یافتن قریش بر دیگر گروه‌های مسلمان بود. پیامد دیگر آن بروز تفرقه و شکاف در میان مسلمانان و جدایی شیعیان از اهل سنت بود. مادلونگ به صراحت خاطر نشان می‌کند که «این سقیفه بود که موجب تفرقه و دودستگی بزرگ در اسلام شد؛ تفرقه‌ای که منجر به کشت و کشتار ظاهراً بی‌پایان مسلمانان از آغاز جنگ‌های رده تا به امروز گردیده است»**

نکته شایان توجه و تأمل دیگری که مادلونگ مطرح کرده است تصریح وی به حق خلافت و جانشینی حضرت زهرا(س) پس از وفات پیامبر اکرم(ص) است. از نظر مادلونگ از آنجا که تنها فرزند بازمانده از پیامبر(ص) دختر ایشان بود، بنا بر قوانین ارث که در آیات قرآن آمده است، می‌بایست هفت‌هشتم دارایی‌ها و حقوق پیامبر به ایشان به ارث می‌رسید، در حالی که همسران پیامبر(ص) جمعاً فقط یک‌هشتم از حقوق و دارایی‌های او را به ارث می‌بردند. به عقیده وی این مطلب که حضرت علی(ع) و عموم بنی‌هاشم تنها پس از رحلت حضرت فاطمه(س)، یعنی شش ماه بعد از وفات پیامبر(ص) با ابوبکر بیعت کردند، دلیل آشکاری است بر اینکه آنها حضرت فاطمه(س) را به عنوان تنها فرزند بازمانده از پیامبر(ص)، نخستین وارث و جانشین بر حق او می‌دانستند و لذا تا او در قید حیات بود با کس دیگری به عنوان خلیفه پیامبر(ص) بیعت نکردند. به باور مادلونگ، حق خلافت پس از پیامبر اکرم(ص) از آن یگانه دختر او، یعنی حضرت زهرا(س) بود، اما عُمر که مردی بس جاه طلب و به شدت با رسمیت بخشی به حقوق زنان و حکومت آنان بر مردان مخالف بود، مانع از این شد که حق مسلم دختر پیامبر(ص) به او داده شود. همین امر در نهایت منجر به انتخاب ابوبکر در سقیفه و تهدید عُمر به سوزاندن خانه دختر پیامبر(ص) و خانواده او شد. مادلونگ با اشاره به این نکته که عُمر، خود، بعدها انتخاب ابوبکر در سقیفه را یک «فلته»، یعنی کاری شتاب‌زده و نسنجیده و تصمیمی عجولانه خواند، آن حادثه را کودتایی نظامی تلقی می‌کند که در آن حق حاکمیت از خاندان پیامبر(ص) گرفته شد و حیات جانشین بر حق و مشروع وی نیز در معرض تهدید قرار گرفت. یکی از پیامدهای این واقعه از بین رفتن زندگی بدون تبعیض و برابر مسلمانان و برتری یافتن قریش بر دیگر گروه‌های مسلمان بود. پیامد دیگر آن بروز تفرقه و شکاف در میان مسلمانان و جدایی شیعیان از اهل سنت بود. مادلونگ به صراحت خاطر نشان می‌کند که «این سقیفه بود که موجب تفرقه و دودستگی بزرگ در اسلام شد؛ تفرقه‌ای که منجر به کشت و کشتار ظاهراً بی‌پایان مسلمانان از آغاز جنگ‌های رده تا به امروز گردیده است»<sup>6</sup>.

مادلونگ دست‌آخرا این پرسش مهم را مطرح می‌کند که آیا جامعه مسلمانان نخستین، در صورتی که به جای حمایت از کودتای بدفرجام عُمر و غصب خلافت، از حکم خداوند در قرآن - مبنی بر به ارث رسیدن دارایی‌های پدر به فرزند که بر اساس آن جانشینی پیامبر(ص) حق مسلم دخت ایشان شمرده می‌شد - اطاعت کرده بودند، در نهایت کامیاب‌تر نمی‌شدند؟

اگرچه سخن مادلونگ در خصوص حق جانشینی و خلافت حضرت زهرا(س) پس از وفات پیامبر(ص) از منظر شیعی پذیرفته نیست چراکه از دیدگاه شیعیان، پیامبر اکرم(ص) در زمان حیات خود و به دستور خداوند، حضرت علی(ع) را به عنوان جانشین خود انتخاب کرده و به همگان اعلام نموده بودند، اصل تصریح وی در مقام یک شرق شناس بی‌طرف و محقق برجسته تاریخ اسلام به اینکه حق خلافت و جانشینی پیامبر(ص) متعلق به اهل بیت ایشان بود، نه ابوبکر، و اینکه این حق با کودتای عُمر غصب شد، بسیار حائز اهمیت است. خطای مادلونگ در این موضوع آن است که پنداشته است رهبری مسلمانان در زمره حقوق و دارایی‌های شخصی پیامبر(ص) است که می‌بایست بر اساس قوانین ارث پس از درگذشت ایشان به تنها فرزند دخترشان منتقل می‌شد، در حالی که از منظر شیعیان، امامت و رهبری جامعه مسلمین در حیطه دارایی‌های شخصی و اموال پیامبر(ص) نیست، بلکه این امر، حقی است الهی و مقامی دینی و

6. «It was the Saqifa meeting that caused the great schism in Islam, which has resulted in seemingly endless Muslim bloodshed since the wars of the ridda until the present day».

فرهنگی و سیاسی که تنها به خواست و اراده خداوند و به دستور او به اولیای برگزیده‌اش تفویض می‌شود. همچنین نادیده گرفتن نصوص و اخبار پرشماری که در آنها پیامبر اکرم(ص) به امر خداوند، حضرت علی(ع) را به جانشینی خود برمی‌گزیند و ثبوت این حق را برای ایشان به مسلمانان اعلام می‌کند، از لغزش‌های بزرگ مادلونگ در تحلیل‌های تاریخی‌اش در مسئله خلافت و جانشینی رسول گرامی اسلام است که باید در ارزیابی دیدگاه‌های وی مد نظر قرار گیرد. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.